

علم و فضلی که به چهل سال دلم گرد آورد

ترسم آن نرگس مستانه به یغما ببرد
چهل سال تحقیق کسی را حافظ می‌کند. چقدر دیوان حافظ را شرح کردند. هر کسی می‌خواند و استفاده می‌کند. هر کسی به اندازه‌ی خودش می‌فهمد، کسانی که عمیق‌اند بسیاری اشارات و کنایات را متوجه می‌شوند.

در خارج از کشور خانه‌ی بسیاری از هنرمندان را موزه می‌کنند. کتاب‌خانه‌ی این هنرمندان از کتاب‌خانه‌ی بعضی دانشکده‌های ما بزرگ‌تر است. خانه‌ی سینماگرانی چون برگمان، فلینی یا چارلی چاپلین. در خانه‌ی این هنرمندان تعداد زیادی کتاب راجع به سینما، حتی فلسفه، دین، اخلاق، تاریخ، سیاست و اقتصاد وجود دارد.

سالها قبل، از اوژن یونسکو پرسیده شده بود که تعطیلات کریسمس را چگونه می‌گذرانند؟ یونسکو گفته بود تصمیم دارم که به مسافرت نروم و در منزل بمانم و کتاب «اسلام ایرانی» هانری کربن را که تازه منتشر شده بخوانم. کتاب اسلام ایرانی در ایران بعد از انقلاب اسلامی چاپ شد. برای فهمیدن این کتاب چند شرط لازم است: ۱- فلسفه بدانند (فلسفه اسلامی) ۲- تاریخ اسلام و معتقدات اسلامی را بدانند که بفهمند در ایران چگونه اسلام به تشیع گرایید ۳- با مسائل ادبی، عرفانی، هنری و فرهنگی ایران آشنا باشد که بتواند کتاب را بخواند.

چارلی چاپلین چطور نمونه پیدا نکرد و جاویدان شد. در بین دو جنگ جهانی چارلی چاپلین همه‌جا صحبت می‌کرد که طلا را به عنوان پشتوانه‌ی پول برداریم تا دیگر جنگ نشود. تئوری اقتصادی داشت و با مطالعه می‌گفت. آخرین نامه‌ای که به دخترش نوشته بود اصلاً نامه‌ی یک فیلسوف، یک مصلح است. هنر بخشی از نیاز وجودی ما است، همین‌طور علم. دانستنی‌هایی که باید به عنوان هویتی دارا باشیم، نه تنها از خودمان، بلکه از جهان هم باید اطلاع داشته باشیم.

با این نوع نگاه وقتی به هنر می‌رسیم باید توجه کنیم که هنر

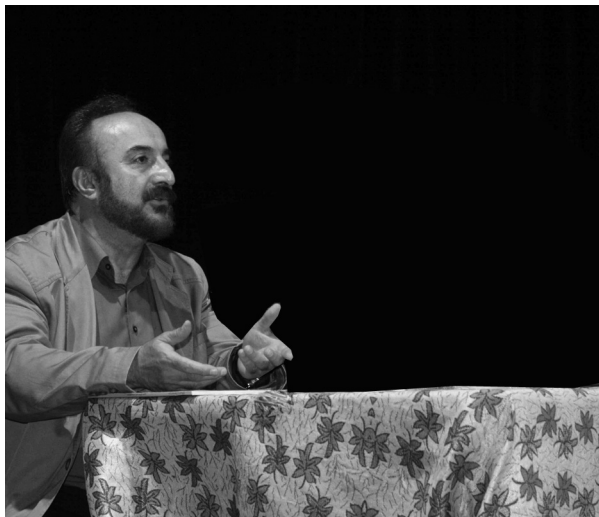
چه جایگاهی دارد. نکته‌ی مهم این است که هنر، علم، تکنیک، فلسفه، دین، اخلاق و سیاست معانی مختلفی دارند. اشتباه این است که در بسیاری از بحث‌ها به نظر می‌رسد که هر کدام از این‌ها یک معنی دارد. بنابراین نوشته‌ها و بحث‌ها تک بعدی می‌شود و به نتیجه‌ای نمی‌رسد. هر کدام از این واژه‌ها معانی مختلفی دارد. فعلاً به معانی هنر می‌پردازیم.

معانی هنر

هنر معانی مختلفی دارد که در نوشته‌ها و کتاب‌ها هر کدامش مورد توجه قرار می‌گیرد. تفکیک این معانی بسیار مهم است. یک وقت از دیدگاه عملی به هنر نگاه می‌کنیم، یک وقت از دیدگاه نظری به هنر چشم می‌اندازیم و وقتی از دیدگاهی ذوقی به هنر توجه می‌کنیم. از هر کدام این دیدگاه‌ها چندین معنای مختلف مورد نظر قرار می‌گیرد و هر کدام از این‌ها در هر مرتبه با مسائل خاصی ارتباط برقرار می‌کنند که این‌ها را نباید با هم خلط کنیم.

دیدگاه عملی

از دیدگاه عملی ساده‌ترین معنایی که هنر در ایران و دیگر نقاط جهان پیدا کرده این است که به عنوان شغل مطرح می‌شود.





معانی و مراتب هنر

دکتر محمد رجبی^۱

ضرورت مباحث تئوریک

مباحث تئوریک یا نظری مطالبی همگانی نیست. توقعی نمی‌رود کسی که نقاشی یا موسیقی اش خوب است، یا در سینما دستی دارد ضرورتاً مطالب تئوریک بداند. به هر حال کار هنرمند این است، فیلسوف نیست. اثری را خلق می‌کند و می‌خواهد که ما درباره‌اش چیزی بگوییم. این سابقه هم دارد، فکر نکنید که ننگ برای هنرمندان است. هنرمند با دلش حرف می‌زند با آن کاری انجام می‌دهد، اثر هنری خلق می‌کند، این ذهن فلسفی است که درباره‌ی آن تحلیل نظری ارائه می‌دهد.

ابن عربی عارف بزرگ، شخصی که عرفان را برای اولین بار تئوریزه و به صورت نظری تدوین کرد؛ با ابن فارض شاعر مشهور و

عارف عرب ملاقات کرد. ابن فارض در واقع مثل حافظ مادر زبان عربی است. گفت می‌خواستم اگر فرصت و توفیق پیدا کنم، شرحی بر دیوان اشعار شما بنویسم. ابن فارض کتاب «فتوحات مکی» را که کتاب عظیم ابن عربی است خوانده بود، گفت: آن کتاب شما شرح این است. توجه کنید یعنی معنایی که شما با آن تفضیل می‌توانید بنویسید من در همین ابیات گفته بودم. یعنی لازم نیست شرح کنید، نه این که من آن را خواندم و این را گفتم؛ یعنی معنا یک صورت نظری پیدا کرده، همان معنا در دل من صورت هنری پیدا کرد. این مهم است که ابن فارض بتواند کتاب فتوحات ابن عربی را بخواند و بفهمد و عمق آن را دریابد. حافظ چه طور حافظ شد و در قله‌ی شعر ما جای گرفت. خودش می‌گوید:

۱- پژوهشگر برجسته کشور و استاد دانشگاه

پیشه‌ور با هنر اصفهان

ای به هنر شهره‌ی کل جهان

در قالی‌بافی نیز همین‌گونه است. اگر دقت کنیم هنر به عنوان ابزار برای کار دیگری قرار می‌گیرد، کار سیاسی، فرهنگی، تربیتی، آموزشی، اقتصادی، رسانه‌ای. چیزی را که می‌خواهیم به بچه آموزش دهیم با کلمات موزون به شعر تبدیل می‌کنیم و با موسیقی برای او اجرا می‌کنیم، راحت‌تر یاد می‌گیرد. این‌گونه آموزش با هنر آموخته می‌شود. در سیاست شعارها به سرود تبدیل می‌شود، هنر در خدمت سیاست قرار می‌گیرد. در اقتصاد، تبلیغات، پوسترها و تیزرها کار هنری هستند. هنر در خدمت اقتصاد و تجارت است. بنابراین اگر با دید عملی نگاه کنیم یک‌شان هنر‌شان ابزاری آن است.

رشته هنری در اداره‌های ایران نیز وجود دارد. یکی از رشته‌های شغلی هنری است. نقاشی روی دیوار، ساخت دکور، رشته‌های موسیقی و... مشاغلی است که هنری شده است. مشاغلی در دنیا تعریف شده که هنری نامیده می‌شود. کمی بالاتر از آن به آثاری که دست‌ساز است و زیبایی دارد، در واقع به صنایع دستی کار هنری اطلاق می‌شود. کارهایی مثل کوزه‌گری و... این بیش‌تر بار صنعتی دارد. مثلاً بازار اصفهان، ده‌ها قلم‌کار یک نقش را روی سینی مسی در می‌آورند، این‌ها نیز کار هنری می‌کنند. این نیز هنر است. منتها در معنا و مرتبه‌ای خاص است. خلاقیت خاصی ندارد و فقط کار زیبایی انجام می‌دهد، برایش با کار دیگری فرق نمی‌کند، جز این‌که به این کار علاقه دارد. این کار نوعی صنعت شده است و همه می‌گویند:

